



سخنرانی آتشین پاتریس در مراسم اعلام استقلال کنگو

در جشن روز استقلال کنگو خصوصت بلژیک با لومومبا عمیق تر شد. در حضور پادشاه بلژیک، در حالی که لومومبا طبق برنامه رسمی فرصتی برای سخنرانی نداشت، به جهت اینکه استعمارگران فکر نکنند که استقلال را به مردم این کشور هبه کرده اند به پاخواست و بدون هماهنگی و بداهه شروع به سخنرانی کرد. او با شور و صلابت، وحشی گری و اهانت هایی را که مردم کنگو تحت حاکمیت استعماری بلژیک متحمل شده بودند، محکوم کرد. پادشاه بلژیک بسیار عصبانی شد. پس از آن بلژیکی ها دیگر تمایل به انجام هیچ کاری با او نداشتند.

اونه سیاستمداران و نه بلژیکی های حاضر را، بلکه مردم تازه آزاد شده کشور خود را مورد خطاب قرار داد:

مردان و زنان کنگو

طرفداران پیروز استقلال

من به نام دولت کنگو به شما سلام می کنم.

از همه شما دوستانی که خستگی ناپذیر جنگیدید خواهش می کنم این روز، ۳۰ ژوئن ۱۹۶۰ را به عنوان تاریخی درخشان که همیشه در دل شما حک خواهد شد، به یاد بیاورید؛ تاریخی که معنای آن را با افتخار برای فرزندانان توضیح خواهید داد. آنها نیز به نوبه خود ممکن است تاریخ باشکوه مبارزه ما برای آزادی را به فرزندان و نوه های خود انتقال دهند.

اگرچه استقلال کنگو امروز با توافق با بلژیک اعلام می شود؛ کشوری با روابط دوستانه که با آنها در شرایط مساوی هستیم، اما هیچ کنگویی هرگز فراموش نخواهد کرد که استقلال با مبارزه به دست آمد؛ مبارزه ای استوار و الهام بخش که روز به روز ادامه دارد. مبارزه ای که در آن از محرومیت یا رنج نترسیدیم. مبارزه ما پر از اشک و آتش و خون بود. ما عمق جان به مبارزه خود می بالیم، زیرا این مبارزه نجیبانه در پایان دادن به اسارت تحقیر آمیز و تحمیل شده بر ما ضروری بود.

این سهم ما در ۸۰ سال حکومت استعماری بود و زخم ها بسیار تازه و دردناک تر از آن هستند که فراموش شوند. کار اجباری را در آزادی دستمزدی تجربه کردیم که به ما اجازه نمی داد گرسنگی مان را بر طرف کنیم، خودمان را بپوشانیم، اسکان مناسبی داشته باشیم یا فرزندان عزیزمان را بزرگ کنیم. صبح، ظهر و شب به دلیل سیاه بودن مورد تمسخر، توهین و کتک قرار گرفتیم. چه کسی می تواند فراموش کند که سیاهپوست را «تو» خطاب

می کردند، نه به این دلیل که او دوست بود، بلکه به این دلیل که «شما» ی مؤدبانه تنها به مرد سفیدپوست اختصاص داشت.

ما دیدیم که زمین هایمان را به نام قوانین ظاهراً عادلانه که فقط حق قدرت را به رسمیت می شناخت، غصب کردند. ما فراموش نکردیم که قانون هرگز برای سفیدپوستان و سیاهپوستان یکسان نبود؛ ما رنج های فجیعی را تجربه کردیم، به دلیل اعتقادات سیاسی و مذهبی تحت آزار و اذیت قرار گرفتیم و از سرزمین مادری خود تبعید شدیم. سرنوشت ما از خود مرگ بدتر بود. ما فراموش نکردیم که در شهرها، عمارت ها برای سفیدپوستان و کلبه های مخروبه برای سیاهپوستان بود. اینکه سیاهپوست در سینما، رستوران و مغازه هایی که برای «اروپایی ها» در نظر گرفته شده بود، راه داده نمی شد. چه کسی تیراندازی هایی را که باعث کشته شدن تعداد زیادی از برادران ما شد، یا سلول هایی که بی رحمانه کسانی را که دیگر نمی خواستند در برابر رژیم بی عدالتی، ظلم و استثمار مورد استفاده استعمارگران تسلیم شوند فراموش می کند؟

همه اینها، برادرانم! برای ما درد و رنجی بی سابقه به ارمغان آورد. اما ما که با رای شما، نمایندگان مردم، برای راهبری سرزمین مادری خود انتخاب شدیم، ما که از ظلم و ستم استعمار در جسم و جان خود رنج کشیده ایم، به شما می گویم که از این پس همه چیز به پایان رسیده است. جمهوری کنگو اعلام شد و آینده کشور عزیزمان اکنون در دست مردم این سرزمین است. برادران! بیاید با هم یک مبارزه جدید را آغاز کنیم؛ یک مبارزه متعالی که کشور ما را به صلح، رفاه و عظمت خواهد رساند.

ما با هم عدالت اجتماعی را برقرار خواهیم کرد و برای هر مرد مزد عادلانه ای را برای کار خود تضمین خواهیم کرد. ما به دنیا نشان می دهیم که مرد سیاه وقتی در آزادی کار می کند چه توانی دارد و کنگو را به افتخار آفرینا تبدیل خواهیم کرد. ما مراقب هستیم سرزمین مادری ما در خدمت و نفع فرزندان آن باشد. در همه قوانین قدیمی تجدیدنظر و آنها را اصلاح خواهیم کرد تا عادلانه باشد. همچنین آزار و اذیت آزاداندیشی را متوقف می کنیم. مراقب خواهیم بود همه شهروندان از آزادی های اساسی مندرج در اعلامیه حقوق بشر نهایت بهره را ببرند. ما همه تبعیض ها را از سرمنشأ آن ریشه کن خواهیم کرد و برای هرکس جایگاهی در زندگی، در خور شأن انسانی او و شایسته

تلاش و وفاداری او به کشور تضمین خواهیم کرد. ما صلحی را در کشور برقرار خواهیم کرد که نه بر اسلحه و سرنیزه بلکه بر وفاق و حسن نیت استوار باشد و در همه اینها، هموطنان عزیزم، ما نه تنها می توانیم به نیروها و ثروت هنگفت خود اتکا کنیم، بلکه می توانیم با کشورهای خارجی بی شمار نیز همکاری کنیم، در صورتی که هدفشان تحمیل به ما نباشد. حتی بلژیک که سرانجام درس تاریخ را آموخته و دیگر نیازی به مخالفت با استقلال ما ندارد و آماده است که به ما کمک و دوستی کند. برای این منظور به تازگی توافقنامه ای بین دو کشور برابر و مستقل ما امضا شده است. من مطمئن هستم که این همکاری به نفع هر دو کشور خواهد بود. به سهم خود، در عین هوشیاری، سعی خواهیم کرد تعهداتی را که آزادانه داده ایم، رعایت کنیم. بنابراین هم در حوزه داخلی و هم در حوزه خارجی، کنگوی جدیدی که توسط دولت من ایجاد می شود، غنی، آزاد و مرفه خواهد بود. اما برای رسیدن به هدف خود بدون تأخیر، از همه شما، قانونگذاران و شهروندان کنگو می خواهم که به ما کمک کنید. از همه شما می خواهم که دعوای قبیله ای را فراموش کنید. آنها ما را ضعیف می کنند و حتی ممکن است باعث تحقیر ما در خارج از کشور شوند. از همه شما می خواهم که به خاطر تضمین موفقیت این کار بزرگ ما از هیچ گونه فداکاری کوتاهی نکنید. در پایان از شما بی قید و شرط می خواهم که به جان و مال هموطنان و خارجی هایی که در کشور ما ساکن هستند احترام بگذارید. اگر رفتار این بیگانگان جای تأمل داشته باشد، عدالت ما بی درنگ آنها را از قلمرو کشور اخراج خواهد کرد. اگر برعکس رفتارشان خوب باشد، در آرامش هستند، زیرا آنها برای آبادانی کشور ما نیز تلاش می کنند. استقلال کنگو گامی تعیین کننده به سوی آزادی کل قاره آفریقا است. دولت ما، حکومت وحدت ملی و مردمی، به کشور خود خدمت خواهد کرد. من از همه شهروندان کنگو، از مردان، زنان و کودکان می خواهم که با قاطعیت، وظیفه ایجاد اقتصاد ملی و تضمین استقلال اقتصادی ما را بر عهده بگیرند.

سرافرازی ابدی بر مبارزان راه آزادی ملی

زنده باد استقلال و اتحاد آفریقا

زنده باد کنگوی مستقل